

تحول گفتمان در گزارش واقعه کربلا

(با تکیه بر آثار فارسی تا نیمه اول قرن دهم هجری قمری)

دکتر سیده رقیه میرابوالقاسمی
(عضو هیئت علمی بنیاد دائرة المعارف اسلامی)

زمستان ۱۳۹۳

میرابوالقاسمی، سیده رقیه، ۱۳۵۱ - .
تحول گفتمان در گزارش واقعه کربلا (با تکیه بر آثار فارسی تا نیمه اول قرن دهم هجری قمری) / سیده رقیه
میرابوالقاسمی. - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها
(سمت)، ۱۳۹۳.
هشت، ۲۹۵ص: جدول - نمودار. - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۲۹۲: تاریخ؛ ۶۱) (سازمان سمت؛ ۱۸۷۷، تاریخ؛ ۴۳)
ISBN: 978-600-298-054-0
بها: ۱۰۷۰۰۰ ریال
فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.
کتابنامه: ص. [۲۵۷-۲۷۶]؛ همچنین به صورت زیرنویس.
نمایه.
۱. واقعه کربلا در ادبیات. ۲. عاشورا در ادبیات. ۳. متون فارسی - ایران - مجموعه‌ها. ۴. ادبیات فارسی -
ایران - تاریخ و نقد. ۵. ادبیات حماسی ایرانی - تاریخ و نقد. الف. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ب. عنوان.
۱۳۹۳ ۹ م ۲ ع / PIR ۳۴۴۲ ۰ / ۹۳۱
شماره کتابشناسی ملی
۳۶۷۲۳۱



تحول گفتمان در گزارش واقعه کربلا (با تکیه بر آثار فارسی تا نیمه اول قرن دهم هجری قمری)

مؤلف: دکتر سیده رقیه میرابوالقاسمی (عضو هیئت علمی بنیاد دائرةالمعارف اسلامی)

ویرایش: شرکت اعتصام

ناشران: «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» و «سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)»

صفحه‌آرایی: کاما

چاپ اول: زمستان ۱۳۹۳

تعداد: ۲۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم - جعفری

قیمت: ۱۰۷۰۰۰ ریال

کلیه حقوق برای ناشران محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰ (انتشارات: ۳۲۱۱۱۳۰۰) نمابر: ۳۲۸۰۳۰۹۰،
ص.پ. ۳۷۱۸۵-۳۱۵۱ ● تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، نیش کوی اُسکو، تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۰۲۶۰۰

Website: www.rihu.ac.ir

Email: info@rihu.ac.ir

تهران: بزرگراه آل احمد، تقاطع پل یادگار امام، روبه‌روی پمپ گاز، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)،
تلفن: ۴۴۲۴۶۲۵۰، نمابر: ۴۴۲۴۸۷۷۷ ● تهران: خ انقلاب، خ ابوریحان، ش ۱۰۷ و ۱۰۹، تلفن: ۶۶۴۰۵۶۷۸، نمابر: ۶۶۴۰۵۶۷۸

Website: www.samt.ac.ir

Email: info@samt.ac.ir



مطالعه و تحقیق در تاریخ اسلام راهگشای ملت در پیشبرد انقلاب است. در هر صورت ماها الآن اینجا هستیم باید خودمان را بسازیم. اگر یک ملتی بخواهد مقاومت کند برای یک حرفِ حقی، باید از تاریخ استفاده کند. از تاریخ اسلام استفاده کنید، ببینید که در تاریخ اسلام چه گذشته و اینکه گذشته سرمشق است از برای ما.

صحیفه نور، ج ۴، ص ۱۳

پیام پژوهش

نیاز گسترده دانشگاه‌ها به منابع و متون درسی با نگرش اسلامی در رشته‌های علوم انسانی، و محدود بودن امکانات مراکز علمی و پژوهشی که خود را موظف به پاسخگویی به این نیازها می‌دانند، ایجاب می‌کند امکانات موجود با همکاری دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی در مسیر اهداف مشترک به خدمت گرفته شود و افزون بر ارتقای کیفی و کمی منابع درسی از دوباره‌کاری جلوگیری به عمل آید.

به همین منظور، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی، پنجاه و هشتمین کار مشترک خود را با انتشار کتاب تحول گفتمان در گزارش واقعه کربلا (با تکیه بر آثار فارسی تا اواسط قرن دهم هجری قمری) به جامعه علمی کشور عرضه می‌کنند.

کتاب حاضر به عنوان منبع کمک درسی برای دانشجویان رشته‌های «تاریخ اسلام»، «تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی» و «علوم اجتماعی» در مقطع کارشناسی ارشد و دکترا و نیز دیگر علاقه‌مندان به مطالعات عاشورا پژوهی تهیه شده است.

امید است علاوه بر جامعه دانشگاهی، سایر علاقه‌مندان نیز از آن بهره‌مند گردند.

در پایان لازم می‌دانیم از گروه تاریخ پژوهشگاه حوزه و دانشگاه در انجام این پژوهش و نیز مؤلف محترم اثر سرکار خانم دکتر سیده رقیه میرابوالقاسمی، همچنین ارزیاب محترم جناب حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محسن رنجبر سیوکی تشکر و سپاسگزاری نماییم.

سازمان سمت

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

فهرست مطالب

مقدمه	۱
فصل اول: مبانی پژوهش	۵
۱-۱. مسئله پژوهش	۵
الف) رشد و گسترش تصوف	۸
ب) توده‌گرایی تشیع امامیه	۹
ج) رویکردهای اعتقادی دربارهٔ منزلت قدسی اهل بیت(ع)	۱۰
۲-۱. مفاهیم پژوهش	۱۲
۱-۲-۱. تحول گفتمان	۱۲
۱-۲-۱. تحول	۱۳
۲-۱-۲. گفتمان (discourse)	۱۳
۲-۲-۱. سنخ‌شناسی تحول گفتمان	۱۵
۱-۲-۲-۱. سنخ‌شناسی (typologi)	۱۵
۲-۲-۱. گفتمان تاریخی	۱۶
۳-۲-۱. گفتمان عاطفی	۱۷
۴-۲-۱. گفتمان عرفانی	۱۸
۵-۲-۱. گفتمان ماورائی	۱۹
۳-۱. رویکرد روشی	۱۹
۱-۳-۱. تحلیل محتوا (content analysis)	۲۲
۱-۱-۳-۱. مبانی مفهومی	۲۴
۲-۳-۱. روش تحقیق	۲۸
فصل دوم: نخستین گفتمان‌های گزارش واقعهٔ کربلا	۳۱
نگاهی به گفتمان گزارش واقعهٔ کربلا در آثار عربی تا قرن پنجم هجری قمری	۳۱

۳۹	فصل سوم: سنخ‌شناسی گفتمان گزارش واقعه کربلا در آثار فارسی
۳۹	۱-۳. متون فارسی قرن چهارم هجری قمری
۴۴	۳-۲. متون فارسی قرن پنجم هجری قمری
۵۲	۳-۳. متون فارسی قرن ششم هجری قمری
۶۶	۴-۳. قرن هفتم هجری قمری
۸۲	۵-۳. قرن هشتم هجری قمری
۹۶	۶-۳. قرن نهم تا اواسط قرن دهم هجری قمری
۱۱۵	فصل چهارم: توده‌گرایی تشیع امامیه و نسبت آن با تحول گفتمان گزارش واقعه کربلا...
۱۱۵	۱-۴. گسترش تشیع امامیه در نواحی فارسی‌زبان
۱۲۴	۲-۴. سوگواری امام حسین(ع): افزایش گرایش به مؤلفه‌های عاطفی واقعه کربلا
۱۲۹	۳-۴. گفتمان عاطفی گزارش واقعه کربلا و آثار فارسی
۱۳۰	۱-۳-۴. سنجش آماری
۱۷۰	۲-۳-۴. رابطه‌سنجی متغیرها
۱۷۴	۳-۳-۴. شیوه‌های نامگذاری
۱۷۵	۱-۳-۳-۴. جبهه حق
۱۷۸	۲-۳-۳-۴. جبهه باطل
۱۸۱	۳-۳-۳-۴. توصیف رویداد کربلا
۱۸۳	فصل پنجم: رویکردهای اعتقادی به منزلت قدسی اهل‌بیت(ع) و نسبت آن با تحول گفتمان...
۱۸۳	۱-۵. اهل‌بیت(ع) و جایگاه آنها نزد مسلمانان
۱۸۷	۲-۵. منزلت قدسی اهل‌بیت(ع) و آثار فارسی
۱۸۷	۱-۲-۵. اهل تشیع
۱۹۶	۲-۲-۵. اهل تسنن
۲۰۱	۳-۵. گزارش واقعه کربلا و گفتمان ماورائی
۲۰۱	۱-۳-۵. توجیه جنایت کربلا
۲۰۵	۲-۳-۵. تأثیرپذیری از نگرش مبتنی بر شأن الهی اهل‌بیت(ع)
۲۰۶	۴-۵. آثار فارسی و گفتمان ماورائی گزارش واقعه کربلا
۲۰۷	۱-۴-۵. سنجش آماری
۲۲۴	۲-۴-۵. رابطه‌سنجی متغیرها
۲۲۶	۳-۴-۵. شیوه‌های نامگذاری
۲۲۹	فصل ششم: رشد و گسترش تصوف و نسبت آن با تحول گفتمان گزارش واقعه کربلا...
۲۲۹	۱-۶. نگاهی به گسترش تصوف در مناطق فارسی‌زبان تا قرن دهم قمری
۲۳۲	۲-۶. گفتمان عرفانی گزارش واقعه کربلا و آثار فارسی

۲۳۳ سنجش آماری ۱-۲-۶
۲۴۹ رابطه‌سنجی متغیرها ۲-۲-۶
۲۵۲ شیوه‌های نامگذاری ۴-۲-۶
۲۵۳ نتیجه‌گیری
۲۵۷ منابع و مأخذ
۲۷۷ نمایه آیات و روایات
۲۷۸ نمایه اعلام
۲۸۷ نمایه موضوعات
۲۸۹ نمایه کتاب‌ها
۲۹۴ نمایه مکان‌ها

تقدیم به پیشگاه امام حسین(ع) و شهدای جاودان کربلا و شهدا و ایثارگران گرانقدر انقلاب اسلامی و دفاع مقدس که امنیت و سرافرازی ما مرهون فداکاری‌های خالصانه آنهاست.

مقدمه

در میان وقایع تاریخی، کمتر واقعه‌ای را می‌توان یافت که از تأثیرگذاری عمیق و پایداری چون واقعه کربلا، بر نسل‌های متوالی و طی قرون متمادی برخوردار باشد. چنین تأثیرگذاری در بارزترین پیامد، موجد جریان‌های اجتماعی همه‌جانبه‌ای شده که در ابعاد گوناگون سیاسی، فرهنگی، فکری و... متبلور شده است؛ لذا این وقایع را باید دارای ماهیتی فراتاریخی دانست که گرچه هویت تاریخی آن را مخدوش نمی‌کند؛ اما تاریخی بودن آن را نیز بر نمی‌تابد و واقعه کربلا بدین لحاظ در زمره کم‌نظیرترین وقایع است. اینکه نه فقط مورخان بلکه مؤلفان فراوانی، در حوزه‌های مختلف غیر تاریخی، هر یک به فراخور حال، به این رویداد و چرایی و چگونگی آن توجه نشان داده و از وجوه مختلف بدان پرداخته‌اند، حاصل همین ماهیت فراتاریخی است.

تنوع نگارشی موجود در آثار فراوان نوشته‌شده درباره واقعه کربلا، از جالب‌ترین و در عین حال قابل تأمل‌ترین وجوه وقایع‌نگاری رویداد یادشده است. این گوناگونی که حاصل تنوع فکری، صنفی، مذهبی، قومی، جغرافیایی و... مؤلفان این آثار است، گزارش این واقعه را با دو ویژگی مشخص یعنی «تنوع گفتمان» و «تحول گفتمان» همراه کرده است. این هر دو ویژگی اگرچه، نه پدیده‌ای یک‌شبه و آنی که حاصل روند تدریجی بودند و رد پایشان، از همان ادوار اولیه اسلامی (البته با شدت و ضعف) قابل ردیابی است؛ اما در برخی ادوار و حوزه‌های جغرافیایی، سیری صعودی یافته و به شکل امواج فرهنگی درآمدند. در این خصوص قرن‌های میانه اسلامی (سده‌های چهارم تا دهم قمری) و مناطق شرقی جهان اسلام (ایران، شبه‌قاره و آسیای مرکزی) به‌ویژه، جایگاهی خاص دارند.

در باب ویژگی نخست (تنوع گفتمان) در محدوده زمانی و مکانی یادشده، دو مسئله «تنوع محتوایی آثار» و «رواج و گسترش فارسی‌نویسی» اهمیت بسیار دارد. به لحاظ تنوع محتوایی،

مسئله قابل تأمل، چگونگی بازتاب واقعه کربلا در آثار متفاوت تاریخی، ادبی، کلامی، عرفانی، عامیانه، داستانی و... است که به‌ویژه به دلیل رویکردهای متفاوت آنها، قابل بررسی هستند. این گوناگونی را، فارسی‌نویسی رو به گسترش آن اعصار، صبغه‌ای دیگر بخشیده است. گسترش فارسی‌نویسی در این نواحی که یا فارس‌زبان بودند و یا به دلیل تأثیرپذیری فراوان از فرهنگ ایرانی، جزء قلمرو فرهنگی ایران به‌شمار می‌آمدند، بیش از آنکه احیای یک زبان کهن شرقی، به موازات زبان رایج دنیای اسلام (عربی) باشد، احیایی فرهنگی بود که پیامدهای خاص خود را داشت. نوع نگرش، اصطلاحات و تعبیر، روش بیان و انتقال مفاهیم در این زبان، خصوصیات فرهنگی متفاوتی داشت که حتی در آثار ترجمه‌شده از عربی نمایان بود. در رابطه با گزارش واقعه کربلا، این هویت مستقل، جلوه‌ای محسوس داشت. فارسی‌نویسان این اعصار (اعم از مورخان و غیر مورخان) هنگام پرداختن به واقعه کربلا، اگرچه از موضوعی جدید سخن نمی‌گویند؛ اما به دلیل بهره‌وری از عناصر فرهنگی یادشده، «تصاویری» جدید عرضه می‌کنند.

تبیین ویژگی اول، در بارزترین نتیجه، وجود «تحولی گفتمانی» را در این آثار مورد تأیید قرار می‌دهد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که گفتمان تاریخی واقعه کربلا، نه تنها یگانه گفتمان موجود در میان مؤلفان نبوده؛ بلکه به‌تدریج، اهمیت آن نیز کاهش یافته است. این سیر نزولی، به برجسته‌شدن گفتمان‌های دیگری انجامیده که یا رویکرد تاریخی آن در درجه دوم اهمیت قرار داشته یا جز طرحی کمرنگ از تاریخ ندارند. نتیجه این تاریخ‌گریزی، کمرنگ شدن یا مغفول ماندن بُعد سیاسی - اجتماعی واقعه کربلا و برجسته شدن بعد عاطفی و ماورائی آن بود که به‌تدریج بر طرز تلقی نخبگان و به‌تبع آن توده‌ها، تأثیرات پایداری بر جای گذاشت.

تنوع و تحول گفتمانی یادشده، در این کتاب، با رویکردی توصیفی - تحلیلی و در دو محور «سنخ‌شناسی گفتمان‌ها» و «تحلیل تحول گفتمان‌ها» در شش فصل، مورد مذاقّه و بررسی قرار گرفته است.

در فصل اول، مسئله پژوهش (که به دغدغه اصلی پژوهشگر در موضوع مورد بحث اختصاص دارد) رویکرد روشی و پیشینه پژوهشی موضوع، مورد بحث و بررسی قرار گرفته است؛ فصل دوم که به بررسی گذرا به مهم‌ترین گفتمان‌های گزارش واقعه کربلا در آثار عربی تا قرن پنجم هجری قمری اختصاص یافته، به عنوان درآمدی بر مبحث اصلی کتاب، مورد توجه قرار گرفته است؛ سنخ‌شناسی گفتمان‌های گزارش واقعه کربلا در آثار فارسی طی ادوار چهارم تا دهم هجری قمری، موضوع فصل سوم این کتاب است که به گونه‌ای توصیفی - تحلیلی، معرفی و

نقد انواع گفتمان‌های یادشده را دربر می‌گیرد؛ در فصل چهارم که به نسبت میان توده‌گرایی تشیع امامیه و تحول گفتمان تاریخی گزارش واقعه کربلا به گفتمان عاطفی اختصاص دارد، صحت و سقم این فرضیه، با بهره‌گیری از دو روش تحلیل تاریخی و سنجش آماری مورد نقادی قرار گرفته است. این بررسی و نقد تاریخی - آماری درباره دو فصل پنجم و ششم که به ترتیب، به آزمون فرضیات (نسبت میان رویکردهای اعتقادی درباره شأن الهی اهل بیت(ع) و تحول گفتمان تاریخی گزارش واقعه کربلا به ماورائی) و (نسبت میان گسترش تصوف و تحول گفتمان تاریخی گزارش واقعه کربلا به گفتمان عرفانی) اختصاص دارند نیز صادق است.

در خاتمه بر خود فرض می‌دانم از تمامی عزیزانی که از یاری، همکاری و همفکری‌شان برخوردار بودم، صمیمانه سپاسگزاری نمایم. حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای رنجبر سیوکی، از زیاب محترم، حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای محمدی، مدیر محترم گروه تاریخ پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و اساتید ارجمند جناب آقای دکتر علی محمد ولوی و سرکار خانم دکتر فاطمه جمیلی که با همفکری و تذکر نکات سودمند و ارزنده، اینجانب را یاری مؤثری رساندند، زحماتشان را ارج می‌نهم و توفیق روزافزونشان را از درگاه خداوند متعال خواستارم. سپاس ویژه‌ام متعلق است به جناب آقای اسماعیل یارمحمدی و جناب آقای حسن نصراللهی، کارشناسان محترم پژوهشگاه حوزه و دانشگاه که در مراحل مختلف کار، متحمل زحمات فراوان شدند.

حمایت، صبوری و همدلی‌های خانواده عزیزم، سهمی فراوان در به انجام رسیدن این اثر داشته است، سپاس فراوان نثارشان و سلامتی و عزتشان مستدام.

و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین

فصل اول

مبانی پژوهش

۱-۱. مسئله پژوهش

نگاشته‌های فارسی دربارهٔ واقعهٔ کربلا، پیشینه‌ای به قدمت نخستین آثار فارسی پس از اسلام دارند. در واقع برخی از کهن‌ترین متون شناخته‌شده از این دست، قدیمی‌ترین آثار فارسی دربارهٔ رویداد کربلا نیز به شمار می‌آیند. ترجمهٔ تفسیر طبری، ترجمهٔ تاریخ طبری (تاریخ بلعمی) و اشعار کسایی مروزی، هر سه متعلق به قرن چهارم هجری قمری از این جمله‌اند.

دربارهٔ این «کهن‌ترین‌ها»، اهمیت مسئله در آن است که سنگ‌بنای سنت نگارشی فارسی دربارهٔ رویداد کربلا به آنها بازمی‌گردد و بعدها مؤلفان بسیاری، در تعامل با مخاطبان فارسی‌زبان خود دربارهٔ این واقعه، راه آنان را پیمودند. نتیجهٔ این تعامل، پدیدار شدن کثیری از آثار فارسی در فاصلهٔ زمانی بیش از شش قرن (قرن چهارم تا اوایل قرن دهم هجری قمری) بود که هر یک به گونه‌ای به انعکاس رویداد کربلا پرداخته‌اند و میراث مکتوب قابل توجهی به جای نهاده‌اند.

پدیدار شدن وقایع‌نگاری فارسی رویداد کربلا بیش و پیش از هر چیز، حاصل گسترش «ضرورت فارسی‌نویسی» از اواسط قرن چهارم هجری قمری به بعد بود. گسترش این پدیده، آن هم پس از گذشت مدتی مدید از سیطرهٔ فرهنگی اعراب مسلمان بر نواحی فارسی‌زبان، از عدم توفیق این سیطرهٔ فرهنگی در بخش «زبان» خبر می‌داد. درست است که تا قرن‌ها بعد نیز، زبان عربی، زبان علمی و فرهنگی جهان اسلام و به تبع آن فرهیختگان ایرانی مسلمان بود؛ اما گسترش فارسی‌نویسی (اعم از ترجمه و تألیف) در همان اعصار اولیه، نشان داد که زبان معیار برای فارسی‌زبانان، همچنان زبان فارسی است. حتی اگر این فارسی با فارسی پدران آنان تفاوت داشته و دربرگیرندهٔ بسیاری از عناصر زبانی فاتحان مسلمان باشد. چنین رویکرد فرهنگی، البته صرفاً

معلول سیاست‌های ایرانی‌گرای برخی حکومت‌های محلی و منطقه‌ای ایران^۱ نبود؛ بلکه بیش از آن حاصل پابندی آحاد فارسی‌زبانان به سنن فرهنگی خویش و از آن جمله زبان بود.^۲ بر این اساس حتی آن سیاست‌های ایرانی‌گرا را نیز باید متأثر از این مقاومت فرهنگی عمومی دانست، چه، اگر سیاست‌های حکومتی، به‌تنهایی می‌توانست در ارائه یک الگوی فرهنگی پایدار مؤثر واقع شود، بی‌تردید سیطره اعراب مسلمان، مجالی برای رشد دوباره فارسی و فارسی‌نویسی باقی نمی‌گذاشت.^۳

در رابطه با واقعه کربلا، فارسی‌نویسی به عرصه مبادله‌ای فرهنگی بدل شد: آشنایی بسیاری از ایرانیان (ناآشنا با عربی) با چند و چون این رویداد و انعکاس رویکردهای فرهنگی ایرانیان در نحوه گزارشگری این واقعه. این تأثیر و تأثر فرهنگی که از همان نخستین گزارش‌های فارسی نمایان شد، نه فقط با گذشت زمان ابعاد گسترده‌تری یافت؛ بلکه به عرصه تصاویر جدیدی انجامید که مهم‌ترین خوانش‌های فارسی‌نویسان از واقعه کربلا (تا قرن دهم قمری) در قالب آنها شکل گرفت. خوانش‌هایی (از این پس آنها را گفتمان^۴ می‌نامیم) که موجبات پدید آمدن رویکرد نوینی به واقعه کربلا را که می‌توان از آن با عنوان «رویکرد ایرانی» یاد کرد، فراهم آوردند.

درباره رویکرد یادشده با وضعیتی دوگانه مواجه هستیم؛ از یک‌سو مقصود از این مفهوم، نه پدیده‌ای با «ماهیتی ایرانی» بلکه رویکردی متأثر از بافت فرهنگی ایرانی است. شاهد این مدعا وجود تشابه میان گفتمان‌های این رویکرد با گفتمان‌های موجود در آثار عربی معاصر آنها است

۱. منظور از ایران همان تعریفی است که بر مبنای آن منطقه مثلث‌شکل میان دره‌های سند در مشرق، کوه‌های زاگرس در مغرب، دریای مازندران و کوه‌های قفقاز و آمودریا (رود جیحون) در شمال و خلیج فارس و دریای عمان در جنوب را شامل می‌شود (فره‌وشی، ایرانویچ، ص ۱۷).

۲. برای تفصیلی در این خصوص بنگرید به: آذرتاش، چالش میان فارسی و عربی (سده‌های نخست)، ص ۱۱۶، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۹۴-۲۰۰، ۲۵۰-۲۵۳، ۲۶۴-۲۷۳.

۳. اشارات مکرر نویسندگان ایرانی به ضرورت فارسی‌نویسی به دلیل گستردگی توده‌های فارسی‌زبان، دلیلی بر این مدعاست (برای نمونه بنگرید به: سمرقندی، السواد الاعظم، ص ۱۹؛ اسفراینی، تاج التراجم فی تفسیر القرآن للاعاجم، ج ۱، ص ۵، ۸، ۹؛ مستملی بخاری، شرح التعرف لمذهب التصوف، ج ۱، ص ۳۳؛ جوینی، عتبة الکتبه، ص ۲؛ جرفادقانی، دیوان نجیب جرفادقانی، ص ۸-۱۰؛ بلخی، مقامات حمیدی، ص ۴ و ۵؛ نرشخی، تاریخ بخارا، ص ۴؛ طاهر و افشار، المختارات من الرسائل، ص ۲۶۴-۲۶۶؛ رازی، نزهة الکرام و بستان العوام، ج ۱، ص ۱ و ۲؛ عمادالدین طبری، کامل بهایی، ج ۱، ص ۱۵؛ ج ۲، ص ۳۰۶؛ نیز برای اطلاعات بیشتر بنگرید به: آذرتاش، چالش میان فارسی و عربی (سده‌های نخست)، ص ۲۷۴-۲۷۹.

۴. درباره این اصطلاح در بخش مفاهیم پژوهش سخن گفته‌ایم.

که اتفاقاً در آثار عربی (با تسامح دربارهٔ گفتمان عرفانی) حتی از فضل تقدم نیز برخوردارند.^۱ بدیهی است که چنین پدیده‌ای را نمی‌توان ایرانی به شمار آورد. از سوی دیگر اما، بازتاب گفتمان‌های یادشده در آثار فارسی به این رویکرد، واجد خصایص ویژه‌ای است که از بافت فرهنگی متفاوتی خبر داده و هویت خاص خود را پدید آورده است. بدین ترتیب این رویکرد، هم ایرانی است و هم نیست و این، همان دوگانگی پیش‌گفته است.

دیگر جنبهٔ قابل تأمل در این رویکرد، تحولات گفتمانی آن در فاصلهٔ زمانی قرن چهار تا ده قمری است. مقطع زمانی یادشده، هم از آن‌رو که بستر پیدایش کهن‌ترین آثار فارسی دربارهٔ واقعهٔ کربلاست و هم به دلیل برخی خصایص فرهنگی - مذهبی جامعهٔ ایرانی (← ادامهٔ مبحث) اهمیت بسیار دارد. چنین اهمیتی آنگاه که ابعاد گفتمانی آن مورد توجه قرار گیرد، بیشتر نمایان می‌شود. آثار فارسی این ادوار، گویای نضج‌گیری و شکوفایی گفتمان‌های چندی دربارهٔ واقعهٔ کربلاست که برخی از آنها تأثیرات پایداری بر رویکرد فارسی‌زبانان به این واقعه به جای نهادند. گفتمان‌های یادشده، البته متعددند؛ اما از آن میان چهار گفتمان که در این کتاب، آنها را تاریخی، عاطفی، عرفانی و ماورائی^۲ نامیده‌ایم، برجستگی بیشتری دارند.

دربارهٔ گفتمان‌های یادشده (براساس پژوهش حاضر) می‌دانیم که در همه یا اغلب ادوار مورد نظر، حضوری همزمان و مداوم داشته‌اند. با این حال نکتهٔ مهم، نسبت میان «افزایش یا کاهش تمایل به این گفتمان‌ها» در قرون مورد بررسی است. یک سنجش آماری^۳ نشان می‌دهد که این «نسبت» مشمول تحولاتی بوده است که می‌توان از آن با عنوان تحولات گفتمانی یاد کرد. اتفاق مهم در این تحول گفتمان، کاهش تمایل به گفتمان تاریخی (که در این کتاب به عنوان گفتمان معیار مورد توجه قرار گرفته است) و افزایش گرایش به سه گفتمان دیگر است، ضمن آنکه کم‌رنگ و پررنگ شدن شاخص‌های درون گفتمانی نیز قابل توجه می‌نماید. روند این کاهش و افزایش به گونه‌ای است که تا پایان قرن نهم قمری یکی از این گفتمان‌ها (گفتمان عاطفی) به گفتمان مسلط (هژمونیک)^۴ در رویکرد فارسی‌زبانان بدل شده است.

۱. بنگرید به: فصل دوم این کتاب.

۲. دربارهٔ این اصطلاحات، در بخش مفاهیم پژوهش سخن گفته‌ایم.

۳. بنگرید به: فصول چهارم تا ششم.

۴. hegemony یا سیطره، مفهومی نئومارکسیستی است که اولین بار آنتونیو گرامشی برای تبیین رابطهٔ میان فرهنگ و ایدئولوژی در زندگی روزمره و نقش این رابطه در تداوم سلطهٔ اقتصادی، سیاسی و اجتماعی طبقهٔ حاکم (یا

در خصوص علل بروز این تحول، بی‌تردید از گزینه‌های متعددی می‌توان سخن گفت. حوادث و دگرگونی‌های رخ داده در ساختار سیاسی سرزمین‌های فارسی‌زبان روزگاران مورد بحث، چنان گسترده بوده که تأثیرپذیری بسترهای فرهنگی از شرایط زمانی را همواره با ابعاد متنوعی مواجه ساخته است. بر همین اساس، رویدادی فرهنگی نظیر تحول گفتمان گزارش واقعه کربلا نیز متأثر از عوامل متعددی بوده که هر یک به گونه‌ای و در مقیاسی خاص، نقش ویژه خود را در شکل‌گیری آن ایفا کرده‌اند. بدیهی است که شناسایی همه عوامل یادشده، کاری ناممکن است، چه، همواره بخشی از عوامل تأثیرگذار، در لایه‌های پنهان اجتماع باقی مانده و فقط تظاهرات بیرونی آنها قابل دریافت است. چنین معضلی، به گونه‌ای دیگر درباره عوامل آشکار نیز ساری و جاری است. درباره این گروه نیز به دشواری بتوان مدعی شناسایی تمام عوامل شد و حتی اگر بتوان هم، تجزیه و تحلیل تأثیرگذاری تمامی آنها ناممکن می‌نماید. بدین ترتیب یگانه راهکار ورود به چنین عرصه‌ای، گزینش برخی عوامل مؤثر و تجزیه و تحلیل آنها بر مبنای اصول روشمند علمی است.

درباره موضوع پژوهش، سه ویژگی جامعه ایرانی در قرون مورد نظر، به عنوان عواملی تأثیرگذار در شکل‌گیری و گسترش تحول یادشده، مورد توجه قرار گرفته‌اند. رشد و گسترش تصوف، توده‌گرایی تشیع امامیه و رویکردهای اعتقادی درباره منزلت قدسی معصومان (ع)، سه ویژگی هستند که به زعم نگارنده، تأثیر قابل توجهی بر تحول یادشده داشته‌اند. تبیین این تأثیرگذاری به قرار ذیل است:

الف) رشد و گسترش تصوف

گسترش تصوف و اقبال عمومی نسبت به آن در قرون میانه اسلامی، تأثیرات همه‌جانبه‌ای بر حیات اجتماعی - فرهنگی ایران به جای نهاد. این گرایش فکری، بیشترین تأثیرگذاری خود بر اذهان را مرهون مفاهیمی بود که به تقویت جنبه‌های معنوی حیات انسانی، به عنوان یگانه راه رستگاری بشریت می‌پرداخت. مفاهیمی که به‌رغم تأثیرپذیری از برخی نحله‌های فکری غیر اسلامی، با علقه‌های معنوی اسلام نیز پیوندی تنگاتنگ داشت. این ویژگی به همان اندازه که پذیرش آرای صوفیانه در میان مسلمانان را تسهیل کرد، بر نوع نگرش آنان نیز مؤثر واقع شد.

گروه اجتماعی دیگر) در برابر منافع و باورهای گروه‌های زیردست، آن را به کار گرفت (جلایی‌پور، نظریه‌های متأخر جامعه‌شناسی، ص ۴۹۵).

تأثیرپذیری فوق که به شکل گرایش به مفاهیم معنوی در تفسیر تمامی وقایع هستی، خود را نشان داد، نگرش تاریخی حامیان این تفکر را نیز تحت الشعاع قرار داد. تاریخ در این دیدگاه، نه علم سرگذشت پیشینیان، بلکه عرصه ظهور جلوه‌های جمالی و جلالی خداوند و وقایع تاریخی، جنبه‌های مختلف این جلوه‌ها تلقی می‌شد. بر این اساس، واقعه‌ای چون واقعه کربلا نیز تفسیری خاص می‌یافت که بیش از آنکه تاریخی باشد، معنوی بود و هویت تاریخی آنگاه تا حد فراموشی، نادیده گرفته می‌شد. بیشترین سهم این طرز تلقی، به آن دسته از عرفا و شعرای عارف مسلکی اختصاص داشته است که هر یک به شیوه‌ای در آثار خود به واقعه کربلا توجه نشان داده‌اند. این نگرش البته مورد اقبال مورخان نبود؛ اما رگه‌هایی از تأثیرپذیری آنان از این نگرش، قابل شناسایی است. این مدعا آنگاه قابل تأمل تر است که بدانیم برخی از مورخان فارسی‌نویس، یا خود علایق صوفیانه داشتند یا اندیشه‌های عرفانی و اهل عرفان را به دیده احترام می‌نگریستند.

ب) توده‌گرایی تشیع امامیه

تا آنجا که به تاریخ تشیع در ایران مربوط می‌شود، قرون میانه اسلامی (البته نفوذ تشیع در ایران به همان ادوار نخستین اسلامی بازمی‌گردد و بسیاری از طالبان قدرت چون عباسیان، علویان طبرستان و دیگرانی چون آنها از همین نفوذ بهره‌برداری کردند) به واسطه برخورداری از زمینه‌های مساعد برای گسترش بیش از پیش تشیع امامیه اهمیت فراوان دارد. فراهم آمدن این بستر مناسب، معلول عوامل متعددی بوده که از آن جمله‌اند: عدم تحرک سیاسی تشیع امامیه و عدم تقابل آن با خلافت وقت و حکومت‌های سنی تابع خلافت (در قیاس با اسماعیلیه کاملاً سیاسی) که از سرکوب جدی آن توسط حکومت‌های وقت ممانعت به عمل آورد، مهاجرت مکرر علویان به ایران توأم با مقبولیت آنان در میان عموم مردم و نیز دولتمردان که به ترفیع منزلت اجتماعی آنان انجامید، تأسیس حکومت‌های شیعی چون آل بویه و بعدها سرداران که به ترویج سنن شیعه امامیه همت گماشتند، حضور دولتمردان شیعه‌مذهب در ساختار حکومتی ایران این ادوار به‌ویژه عصر سلجوقی و بعدها ایلخانان، اضمحلال خلافت بغداد به عنوان پرچمدار مذهب سنت و جماعت و قدرت‌یابی مغولان فاقد تعصب مذهبی و درنهایت علایق شیعی برخی حکومتگران سنی‌مذهب نظیر تیموریان.^۱

۱. برای تفصیلی در این خصوص بنگرید به: جعفریان، تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا قرن دهم هجری، ج ۱ و ۲.

زمینه مساعد فراهم شده توسط عوامل یادشده (توأم با عواملی دیگر) به گونه‌ای بود که در ادوار میانه اسلامی به‌ویژه از قرن ششم به بعد، گسترش منطقه‌ای تشیع امامیه در نواحی فارسی‌زبان، سیر صعودی قابل توجهی یافت. این گسترش منطقه‌ای به معنای گسترش جمعیتی تشیع امامیه و توده‌ای شدن بیش از پیش آن بود. فراگیری توده‌ای مذکور، عرصه‌های گوناگونی را دربر می‌گرفت؛ اما یکی از مهم‌ترین جلوه‌های آن توجه به رویداد کربلا به‌ویژه در قالب مؤلفه‌های عاطفی بود. چنین توجهی البته پیش از آن نیز وجود داشت و مختص شیعیان هم نبود؛ اما گسترش تشیع امامیه ابعاد آن را وسعتی به مراتب بیش از پیش بخشید. بخش عمده‌ای از این مؤلفه‌ها به برگزاری مراسم سوگواری امام حسین (ع) و شهدای کربلا و مرثیه‌سرایی برای آنان اختصاص می‌یافت؛ اما بخش قابل توجه دیگری از آن را می‌توان در انعکاس نوشتاری این واقعه یافت.

در آن دسته از آثار فارسی به‌جای مانده از ادوار مورد نظر که واقعه کربلا را مورد توجه قرار داده‌اند، در موارد بسیار، توجه به مؤلفه‌های عاطفی (برجسته‌سازی و جوه عاطفی در اشکال مختلف با تکیه بر ماهیت مصیبت‌بار، اندوهناک و جنایتکارانه واقعه و تبیین آن در قالب سرگذشتی قهرمانانه و تراژدیک توأم با عناصر داستانی) محور اساسی گزارش یا انعکاس رویداد مذکور بوده و به موازات گسترش تشیع بر ابعاد آن افزوده شده است. این مسئله به‌ویژه آنجا که مؤلفان بنا به ضرورت بهره‌گیری از زبان و بیانی متناسب با فهم عامه، به استفاده از عناصر عامه‌پسند روی آورده‌اند، بسیار نمایان تر است. مورد اخیر که با تمایل پیوسته رو به افزایش مؤلفان بدان همراه بوده است، از اقبال عمومی نسبت به این شیوه روایت یا تبیین رویداد کربلا خبر می‌دهد؛ اقبال عمومی‌ای که به هژمونیک شدن آن در قرن‌های نهم و دهم هجری قمری انجامید.

ج) رویکردهای اعتقادی درباره منزلت قدسی اهل بیت (ع)

از دیرباز تاکنون برای اکثریتی از مسلمانان، اهل بیت یا معصومان (ع) نه فقط به دلیل پیوستگی نسبی با پیامبر (ص) بلکه به دلیل اعتقاد به برخوردار بودن آنان از منزلتی قدسی، مورد احترام فراوان قرار داشته‌اند. درباره شیعیان به‌ویژه شیعیان امامیه، پیشینه این طرز تلقی، بسیار کهن بوده است و به آموزه‌های اهل بیت (ع) بازمی‌گردد؛^۱ ضمن آنکه با اعتقادات اساسی آنان در باب امامت، نص

۱. برای نمونه بنگرید به: نهج البلاغه، خطبه‌های ۲، ۱۱۰، ۱۲۰، ۱۲۸ و ۱۵۴.

و عصمت نیز پیوند تنگاتنگی دارد. اما بعدها به واسطه نفوذ جریان غالی‌گری، چنین طرز تلقی ابعاد دیگری پیدا کرد و مصداق‌های آن گسترش فراوان یافت. در این تحول، منزلت الهی و قدسی معصومان(ع) با معانی جدیدی همراه شد که در یکی از مهم‌ترین نتایج حاصل از آن، تبدیل هویت آنان از شخصیت‌های تاریخی به هویت‌های غیر تاریخی، فرانسائی و ماورائی را در پی داشت. درباره اهل سنت اما وضع به گونه‌ای دیگر بود. در میان نسل‌های نخستین آنان، نگرش احترام‌آمیز به خاندان پیامبر(ص) افزون بر مسئله انتساب نسبی به پیامبر(ص)، منحصر به تأیید مراتب زهد و تقوا و دانش آنان بود. این طرز تلقی در میان نسل‌های بعدی اهل سنت نیز تداوم یافت؛ اما در همین حد باقی نماند. گروهی از سنّیانی که در سلک اهل تصوف بودند، به تدریج اقدام به عرضه نگرشی ویژه درباره اهل بیت پیامبر(ص) کردند که دامنه آن ابتدا پنج تن(ع) و سپس به تدریج تمامی معصومان(ع) را دربر گرفت و در قرون هشتم تا دهم هجری به ظهور پدیده‌ای انجامید که امروزه از آن، تعبیر به «تسنن دوازده‌امامی» می‌شود.^۱ بن‌مایه این نگرش البته مفاهیم عرفانی چون «ولایت»، «انسان کامل» و «قطب» بود که در آموزه‌های صوفیانه جایگاهی بسیار والا داشت و می‌توانست درباره امامان شیعه به دلیل برخوردار بودن آنان از تعالی روحی و معنوی، ویژگی‌های ممتاز اخلاقی و انسانی، تقوا و پرهیزکاری و کرامات متسبب به آنان صدق کند. براساس چنین تلقی بود که بسیاری از طریقت‌های صوفیانه (به عنوان اثبات مشروعیت و حقانیت طریقت خود) خرقة خود را از طریق یک یا چند امام شیعه(ع) به پیامبر(ص) می‌رسانند.^۲ با این حال نتیجه حاصل، بیش از آنکه عرفانی باشد ماورائی بود. در اینجا نیز تصویر ارائه شده از ائمه شیعه(ع)، بیشتر نمودار هویت‌هایی فرانسائی است که هویت تاریخی آنان را کاملاً تحت الشعاع قرار داده و به عنوان «تصویر اصلی» آنان مورد تأکید قرار گرفته است. شباهت میان این نگرش و نگرش شیعی، غیر قابل انکار و به مثابه نقطه تلاقی اهل تسنن و تشیع است. با این حال نوع گفتمان ماورائی دو گروه متفاوت و واجد ویژگی‌های خاص خود است.

بروز چنین گفتمانی درباره معصومان(ع)، در پردازش سرگذشت امام حسین(ع) و واقعه کربلا بازتابی آشکار داشت که ابتدا در آثار عربی و سپس در متون فارسی پدیدار شد. درباره آثار

۱. این تعبیر که به طور عمده توسط استاد رسول جعفریان استفاده شده، مورد مناقشه است و برخی از محققان، آن را دقیق نمی‌دانند. با این حال در این مسئله که این گروه از اهل سنت، رویکرد اعتقادی ویژه‌ای به ائمه دوازده‌گانه شیعی داشته‌اند، تردیدی نیست و شواهد متقنی برای آن وجود دارد.

۲. برای نمونه: قطب‌الدین شیرازی، درة التاج لغرة الدباج، ص ۲۶۲ و ۲۶۳؛ مرعشی، تاریخ طبرستان و رویان و مازندران، ص ۳۳۷.

فارسی، جهت‌گیری بسیاری از مؤلفان در ارائه تصویری از واقعه کربلا بر گفتمانی ماورائی متمرکز است که براساس آن رخداد کربلا به عنوان حادثه‌ای از قبل مقدر و در راستای اراده الهی تبیین شده است. پیشگامان جدی چنین گفتمانی، برخی از مورخان اهل سنت (به‌طور مشخص ابن سعد و ابن اعثم و برخی مورخان شامی نظیر ابن عساکر و ابن کثیر)^۱ بودند که بخش قابل توجهی از روایات نقل شده در این خصوص به آنان بازمی‌گردد. درباره این پیشگامان و گرایش آنها به عرضه چنین گفتمانی، ظن غالب، دفاع از حاکمیت اموی و تبرئه آنان از جنایت صورت گرفته در کربلا با تمسک به «تقدیر الهی» است؛^۲ اما دیگرانی که (اعم از شیعه و سنی) بعدها در گزارش واقعه کربلا به این گفتمان روی آوردند، نه با هدف توجیه جنایت امویان بلکه براساس همان رویکرد اعتقادی سابق‌الذکر درباره معصومان(ع) به آن محوریت بخشیدند. بر این اساس وقوع رویداد کربلا در راستای «منزلت الهی» امام حسین(ع) (به عنوان یکی از معصومان(ع)) دارای ماهیتی ماورائی شد. در این ماهیت ماورائی، همه چیز ازلی و ابدی، فراتر از زمان و مکان و مرتبط با تمامی کائنات بود و قهرمانان نه صرفاً انسان‌هایی در دو جبهه خیر و شر بلکه به منصف ظهور رساننده مقدراتی بودند که از ازل در تقدیر خداوندی شکل گرفته بود. این گفتمان نیز (نظیر گفتمان عاطفی) با استقبال عمومی مواجه شد گرایش بدان به‌ویژه طی ادوار هفتم تا دهم هجری سیر صعودی بسیار قابل توجهی یافت.

با امعان نظر به موارد یادشده، مهم‌ترین محور مورد بررسی در این کتاب پاسخ به این پرسش مهم است که عواملی چون رشد و گسترش تصوف، توده‌گرایی تشیع امامیه و رویکردهای اعتقادی درباره منزلت قدسی معصومان(ع) چه تأثیری بر تحول گفتمان گزارش واقعه کربلا از تاریخی به ماورائی (در آثار فارسی تا قرن دهم قمری) به‌جای گذاشت؟

۲-۱. مفاهیم پژوهش

۱-۲-۱. تحول گفتمان

محوری‌ترین مفهوم در این پژوهش، تحول گفتمان است. مقصود از این اصطلاح تغییرات

۱. بنگرید به: فصل دوم همین کتاب.

۲. برای تحلیلی در این خصوص بنگرید به: ملاً کاظمی، «تفسیر به رأی و نقد اخبار عاشورا در مکاتب تاریخ‌نگاری شام و عراق»، مجموعه مقالات عاشورا پژوهی، ج ۲، ص ۱۵-۴۴؛ ایزدی مبارکه، «روش‌های شناخت آسیب‌ها و خرافات در گزارش‌های نهضت عاشورا»، مقالات عاشوراپژوهی، ج ۲، ص ۷۱-۱۰۲.

پدیدار شده در گفتمان‌هاست. با این حال فهم بهتر این معنا جز از طریق تبیین دو واژه گفتمان و تحول و نیز مفاهیم مورد نظر از آنها در این پژوهش میسر نخواهد بود.

۱-۲-۱. تحول

درباره واژه تحول، معنای مصطلح، منتقل شدن و برگشتن از جایی به جایی، دگرگون شدن و تغییر است.^۱ واژه نزدیک به این اصطلاح تطور است که معنای لغوی آن در زبان فارسی (تنوع و گونه‌گونه بودن)^۲ با معنای اصطلاحی آن^۳ در جامعه‌شناسی نوین متفاوت است. در جامعه‌شناسی، واژه تطور، مترادف تکامل و به معنای حرکت تدریجی و مداوم پدیده‌ها (در برابر انقلاب و جهش) است که از دیدگاه تکامل‌گرایان، مفهومی ارزشی محسوب می‌شود و حرکت به‌سویی خاص را مشخص می‌کند.^۴ تحول، اما تغییر از وضعیتی به وضعیتی دیگر و از جایگاهی به جایگاهی دیگر است که در زبان فارسی، گاه با بار معنایی مثبت (دگرگونی در جهت بهتر شدن) یاد شده^۵ که البته عمومیت ندارد.

۱-۲-۲. گفتمان (discourse)

این واژه که سابقه آن در برخی منابع به قرن ۱۴ میلادی می‌رسد، از ریشه لاتینی "discuro-us" به معنای گفتگو، محاوره و گفتار گرفته شده است.^۶ با این حال معانی لغوی برشمرده شده برای این واژه متعدد است: «مراوده کلمات، سخن، گفتگو، بررسی سامان‌مند یک موضوع در گفتار یا نوشتار، یک واحد متنی (بیش از یک جمله) که زبان‌شناسان برای تحلیل پدیده‌های زبان‌شناختی به کار می‌گیرند، بحث و جدل، بیان سامان‌مند افکار در گفتار و نوشتار (خطابه، رساله و...)، قطعه یا واحدی از یک گفتگو یا نوشتار یکپارچه».^۷

این تعدد معانی در بخش اصطلاحی واژه گفتمان نیز صادق است. گاه گفتمان را زبان شفاهی (در مقابل متن که زبان مکتوب است) قرار می‌دهند^۸ و گاه آن را هم مکتوب و هم شفاهی تلقی

۱. داعی‌الاسلام، فرهنگ نظام، ج ۲، ص ۲۱۵؛ دهخدا، لغت‌نامه، ج ۵، ص ۶۴۹۳.

۲. داعی‌الاسلام، همان، ص ۲۶۵.

3. evolution

۴. ساروخانی، درآمدی بر دائرةالمعارف علوم اجتماعی، ص ۲۴۱، ۶۸۸ و ۶۸۹.

۵. انوری، فرهنگ بزرگ سخن، ج ۳، ص ۱۶۴۴. ۶. مک‌دائل، مقدمه‌ای بر نظریه‌های گفتمان، ص ۱۰.

۷. میلز، گفتمان، ص ۷ و ۸. ۸. همان، ص ۱۰ و ۱۱.

کرده و برآند که همه انواع گفتمان شفاهی، از مکالمات پیش پا افتاده گرفته تا مطمئن‌ترین خطابه‌ها، همچنین انبوه نوشتارهایی که گفتمان‌های شفاهی را بازتولید می‌کنند یا شیوه بیان و مقتضیات آنها را به عاریت می‌گیرند، مکاتبه، خاطره‌نویسی، نمایشنامه‌ها، آثار آموزشی و خلاصه همه ژانرهایی که در آنها کسی خود را به عنوان گوینده معرفی می‌کند و آنچه را می‌گوید در مقوله شخص سازمان می‌دهد، گفتمان است.^۱ در زبان‌شناسی «مطالعه زبان در سطح بالاتر از جمله را، گفتمان یا کلام می‌گویند».^۲ برخی زبان‌شناسان، اصطلاح گفتمان را برای اشاره به نوع خاصی از کاربرد زبان یا برای توضیح مجموعه خاصی از متون که درون محیطی خاص به ظهور می‌رسند (گفتمان روزنامه‌ای، گفتمان مذهبی، گفتمان تبلیغات و...) به کار می‌برند. در اینجا آنچه به یک گفتمان تعین می‌بخشد بافت یا بستر تولید متون است.^۳ در همین رابطه نورمن فرکلاف^۴ گفتمان را «شیوه گفتاری که از زاویه دیدی خاص به تجربیات ما معنا می‌دهد» معرفی کرده است. در دهه‌های آخر قرن بیستم و تحت تأثیر آرای میشل فوکو، تعاریف گفتمان تغییرات بسیار یافت. از دیدگاه فوکو، گفتمان (شیوه‌های سخن گفتمان درباره جهان و تجربه‌های اجتماعی) ابزاری است هم برای تولید و هم سامان دادن معنا درون یک بستر اجتماعی. بدین ترتیب گفتمان برسازنده یک صورت‌بندی گفتمانی است. یعنی گفتمان‌ها دلالت‌گر روش‌های سازمان‌دهی نظام‌مند تجربه انسان از جهان اجتماعی در زبان و نیز برسازنده شیوه‌های شناخت هستند... مفهوم (مورد نظر) ژان فرانسوا لیوتار از «ژانرهای گفتمانی» نیز همانندهایی با مفهوم فوکو از صورت‌بندی گفتمانی دارد.^۵ به گفته ون‌دایک^۶ «گفتمان هم صورت خاصی از کاربرد زبان است و هم صورتی خاص از تعامل اجتماعی».^۷ «گفتمان نه تنها شامل مشخصه‌های مشهود کلامی و غیر کلامی و تعاملات اجتماعی و کنش‌های کلامی می‌شود؛ بلکه علاوه بر آن شامل آن دسته بازنمودهای شناختی و راهبردهایی نیز می‌شود که در جریان تولید و ادراک گفتمان ایفای نقش می‌کنند».^۸

۱. همان، ص ۱۲.

۲. آقاگل‌زاده، تحلیل گفتمان انتقادی، ص ۲ و ۸؛ نیز بنگرید به: ادگار و سجویک، مفاهیم کلیدی در نظریه فرهنگی، ص ۴۲۸.

۳. میلز، گفتمان، ص ۳۰۰.

۴. Norman Fairclough

۵. ادگار و سجویک، مفاهیم کلیدی در نظریه فرهنگی، ص ۴۲۸ و ۴۲۹.

۶. Van Dijk

۷. ون‌دایک، مطالعاتی در تحلیل گفتمان، ص ۲۸۳.

۸. همان.

به روشنی پیداست که این تعدد معانی که در حوزه‌های مختلف، کارکردهای خاص خود را دارند، دستیابی به تعریفی واحد را دشوار می‌کنند. با این حال در رابطه با پژوهش حاضر، دیدگاه لاکلاو^۱ و موفه^۲ به دلیل تأکید بر دو وجه زبان‌شناختی و فرازبان‌شناختی گفتمان^۳ (دو ویژگی مورد تأکید در موضوع این پژوهش) بهترین تعریف وافی به مقصود، محسوب شده و در دستیابی به تحلیل مورد نظر کارگشا است.

با امعان نظر به آنچه گفته شد، ترکیب دو واژه تحول و گفتمان به صورت تحول گفتمان در پژوهش حاضر، با معانی مورد تأکید، صورت پذیرفته است. همچنان که پیش‌تر گفته شد، مقصود از این اصطلاح، تغییرات پدیدار شده در گفتمان‌ها است. با این حال منظور از این تغییرات، نه تغییرات بنیادین و ماهوی در گفتمان‌ها و نیز نه به معنای تبدیل گفتمانی به گفتمانی دیگر، بلکه منظور از آن، جابه‌جایی‌های صورت‌گرفته در جایگاه اجتماعی گفتمان‌هاست که به عنوان پیامد پذیرش یا عدم پذیرش آنها در افکار عمومی مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

۱-۲-۲. سنخ‌شناسی تحول گفتمان

۱-۲-۲-۱. سنخ‌شناسی (typologi)

سنخ در لغت به معنای نوع و جنس است. در اصطلاح جامعه‌شناسی، سنخ‌شناسی یا گونه‌شناسی «تقسیم‌بندی و تنظیم داده‌ها است، با توجه به مشخصات آنها و بر پایه معیارهایی خاص». این تعریف مبتنی بر ویژگی‌های خاصی است که جامعه‌شناسان تأکید بر آنها را به منظور تمایز قائل شدن میان «گونه‌شناسی» با اصطلاحات مشابهی چون طبقه‌بندی، قشربندی و نظایر آن ضروری می‌دانند. مثلاً برخلاف قشربندی اجتماعی که «واقعیتی است موجود، منبعت از عوامل اجتماعی»،^۵ گونه‌شناسی «به تمیز محقق بستگی دارد... و از اندیشه محقق ناشی می‌شود».^۶

در پژوهش‌های مبتنی بر گونه‌شناسی، رعایت اصول معینی مرسوم به «اصل گونه‌شناسی» ضروری است. این اصول عبارت‌اند از: صراحت، طرد (مانعیت متقابل)، فراگیری و جامعیت.

1. Ernesto Laclau

2. Chantal Muffe

۳. تاجیک، گفتمان، یاد گفتمان و سیاست، ص ۲۱.

۴. ساروخانی، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، ج ۲، ص ۲۵۶.

۵. همان، ص ۲۵۶ و ۲۵۷.

۶. همان.

بنا بر اصل صراحت «باید حدود و مرزهای گونه‌ها، روشن و به دقت تعریف شده باشد».^۱ طبق اصل طرد متقابل «هرگونه باید فضایی خاص و منحصر به فرد داشته باشد».^۲ «هر نوع باید تعدادی خاص از عناصر مورد نظر را دربرگیرد و داده‌های مربوط به آن در هیچ رده دیگری جای نگیرد».^۳ اصل فراگیری بر آن است که «تعریف هرگونه باید چنان باشد که واقعیات خود را تماماً در خود جای دهد».^۴ و در نهایت طبق اصل جامعیت «هرگونه باید به طور مصرح، تعریف شده و دارای همه ابعاد لازم جهت دربرگیری همه عناصر مربوط به خود باشد».^۵

در خصوص انواع گونه‌شناسی، تقسیم‌بندی‌های متعددی ارائه شده که محققان علوم اجتماعی به تفصیل از آن سخن گفته‌اند.^۶ با این حال پژوهش حاضر، به لحاظ نظری بر هیچ یک از تقسیم‌بندی‌های یادشده مبتنی نبوده و فقط رهیافت برخی از مفاهیم آن، در بخشی از مباحث توصیفی مورد توجه بوده است. بر این اساس، سنخ‌شناسی مورد نظر در این پژوهش عبارت است از «شناسایی و تقسیم‌بندی انواع گفتمان‌های موجود درباره گزارش واقعه کربلا در متون فارسی، در ادوار زمانی خاص (قرن چهارم تا دهم هجری قمری) و مقصود از سنخ‌شناسی تحول گفتمان، شناسایی تحولات سنخ‌های گفتمانی مذکور است».

به منظور ارائه پژوهشی روشمند، سعی محقق بر آن بوده تا سنخ‌شناسی یادشده، در قالب اصول گونه‌شناسی و با رعایت همان مبانی صورت گیرد. بدین لحاظ در این کتاب، انواعی از گفتمان‌ها مورد توجه قرار گرفته‌اند که هر یک با شاخص‌هایی که ناظر بر مهم‌ترین وجوه آنها است، معرفی و تبیین شده‌اند. اساس استنتاج شاخص‌های یادشده، مهم‌ترین مفاهیم موجود در هر گفتمان بوده است.

۱-۲-۲-۲. گفتمان تاریخی

واژه تاریخ در لغت به معنای زمان به طور مطلق و نیز تعیین وقت است، اعم از آنکه مربوط به

۱. همان، ص ۲۰۷.
 ۲. همان.
 ۳. ساروخانی، درآمدی بر دائرةالمعارف علوم اجتماعی، ص ۸۲۷.
 ۴. همو، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، ج ۲، ص ۲۷۰.
 ۵. ساروخانی، درآمدی بر دائرةالمعارف علوم اجتماعی، ص ۸۲۷.
 ۶. همو، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، ج ۲، ص ۲۶۷ و ۲۷۷.

گذشته، حال یا آینده باشد.^۱ به لحاظ اصطلاحی، این واژه از دیرباز به معنای نوشتن کتاب و وقایع‌نگاری مورد استفاده قرار گرفته است.^۲

در این کتاب مقصود از گفتمان تاریخی، گفتمانی است که ماهیت آن براساس اصالت گزارش‌ها و روایات تاریخی شکل گرفته و بیان تاریخ و آگاهی‌بخشی تاریخی، هدف اصلی آن است. این آگاهی‌بخشی می‌تواند «بیان یک واقعیت تاریخی» یا «توجیه آن براساس باورهای گزارشگر» باشد. بر این اساس گفتمان تاریخی، حاوی جهت‌گیری‌های خاص سیاسی-فکری است که در قالب تفسیر، تحلیل، استدلال‌های مستقیم و غیر مستقیم و نیز نحوه‌گزینش و چینش روایات خود را نشان می‌دهد.

مهم‌ترین نقاط مثبت این گفتمان، اتکای آن به اخبار و گزارش‌های تاریخی (که گاه زمان ثبت آنها با زمان وقوع حوادث و رویدادها، فاصله چندانی نداشته است)، متکی بودن به اسناد و مراجع خبر و درنهایت دوری از عناصر حسی و عاطفی و اصالت‌بخشی به تحلیل منطقی رویدادها است. این مزایا اما، با وجهی منفی همراه است که به مثابه بخش آسیب‌پذیر این گفتمان به شمار می‌رود. بدین معنا که هدف از ارائه این گفتمان، همواره، بیان واقعیات تاریخی نبوده و بسیاری از ناقلان اخبار و گزارشگران روایات، یا خود اقدام به تحریف وقایع کرده یا اخبار نقل شده از آنان (به دلایل مختلف) دستخوش تحریفات گوناگون شده است. بر این اساس اعتماد مطلق به گزارش‌های تاریخی، امری نادرست و استنباط حقایق، مستلزم بهره‌گیری از روش‌های نقادانه (نقد درونی و بیرونی) است.

در این پژوهش، گفتمان تاریخی با چهار شاخص «وقایع‌نگاری، استناد، تحلیل و جهت‌گیری سیاسی-فکری» تعریف و تبیین شده و بنا بر مزایای برشمرده شده، به عنوان گفتمان معیار مورد توجه قرار گرفته است. متن معیار در این گفتمان نیز «وقعة الطف» ابومخنف از دی است که به دلیل قدمت، نزدیکی زمانی به واقعه و درجه اعتبار آن، مستندترین متن شناخته‌شده تاریخی درباره واقعه کربلا به شمار می‌رود.

۱-۲-۳. گفتمان عاطفی

واژه عاطفه را تمایل هیجانی و تأثیری نسبت به شخص یا چیزی معنا کرده‌اند،^۳ عاطفه، احساس

۱. دهخدا، لغت‌نامه، ج ۴، ص ۶۲۱۰.

۲. همان.

۳. فاخر، فرهنگ لغات و اصطلاحات روان‌شناسی، ص ۱۸۶.

و تأثیری است که به طور کلی نسبت به ادراک و اراده متمایز باشد.^۱ بر این مبنا، آنچه که در عاطفه اصالت دارد، نه وجوه عقلانی و منطقی بلکه وجوه حسی و هیجانی است. مقصود از گفتمان عاطفی در این کتاب، گفتمانی است که بزرگ‌نمایی و برجسته‌سازی وجه یا وجوه عاطفی یک رویداد (عمدتاً حوادث غم‌انگیز و اندوه‌بار) محوری‌ترین رویکرد آن را تشکیل می‌دهد. این گفتمان عموماً فاقد استدلال و حاوی جهت‌گیری پررنگ سیاسی - اعتقادی بوده و هدف اصلی آن تحریک احساسات و اقناع عاطفی در جهت همدلی با یک گروه و دشمنی با گروه دیگر است. اتکا به وجوه احساسی، این گفتمان را به قوی‌ترین و گسترده‌ترین گفتمان‌ها در ایجاد ارتباط با اذهان عمومی و پذیرش عامه بدل کرده و به لحاظ پرداختن به ارزش‌های انسانی، اخلاقی و مذهبی، گفتمانی ارزش‌مدار به شمار می‌رود. این ویژگی اما، آن را با آسیب‌هایی جدی نیز مواجه می‌سازد که از آن جمله‌اند: خلط وقایع تاریخی با داستان‌پردازی، در حاشیه قرار گرفتن یا محو ماهیت حقیقی وقایع و ترویج سطحی‌نگری در ادراک رویدادها. در کتاب حاضر، این گفتمان با پانزده شاخص به قرار ذیل معرفی و تبیین شده است: «ابراز انزجار، اندوه، ایثار، پاداش / عقوبت اخروی، پاداش / عقوبت دنیوی، تشنگی، تنهایی و غربت، خیانت، داستان‌پردازی، زنان، ستم، شجاعت، قساوت، کودکان و گریستن».

۱-۲-۴. گفتمان عرفانی

عرفان در لغت به معنای شناختن و دانستن بعد از نادانی و شناختن و معرفت حق تعالی و به مفهوم خاص، به معنای یافتن حقایق اشیاء به طریق کشف و شهود است.^۲ مقصود از گفتمان عرفانی، گفتمانی است با رویکردی شهودی که کنه حوادث و رویدادهای این جهانی را در ماهیتی آن جهانی و معنوی جستجو می‌کند. این تفسیر قدسی، در پی شناخت حقیقت تاریخی رویدادها نبوده و اهمیتی نیز برای آن قائل نیست. آنچه مهم است ماهیت معنوی است که اصل تاریخی یک رویداد نیز برای اثبات آن و به عنوان طریقی جهت تعالی معنوی انسان و اتصال او به خداوند رخ داده است. بر این اساس، نادیده گرفتن حقیقت تاریخی وقایع، القای جبر و تقدیرگرایی و عدم ارتباط مؤثر با اذهان، مهم‌ترین نقاط ضعف این گفتمان و تقویت تأمل و تعمق در وقایع و پرهیز از سطحی‌نگری و درنهایت آشکارسازی ابعاد متعالی تاریخ انسان، مهم‌ترین نقاط قوت آن به شمار می‌روند.

۲. گوهرین، شرح اصطلاحات تصوف، ج ۷، ص ۹۵.

۱. همان، ص ۷.

در این کتاب، گفتمان عرفانی با شش شاخص «ابتلاء و آزمایش الهی، تکامل معنوی، عشق، نزاع حق و باطل، نفی غم و وصال الهی» معرفی و تبیین شده است.

۱-۲-۵. گفتمان ماورائی

واژه ماوراء به معنای چیزی است که در «پس پشت چیزی قرار دارد».^۱ و کلمه ماوراء الطبیعه نیز برگرفته از آن است. هنگامی که در یک گفتمان بر اصالت عوامل غیر مادی و ماوراء طبیعی در بروز یک رویداد تاریخی تأکیدات خاص صورت گیرد و رویداد تاریخی با خارج شدن از فضای طبیعی و مادی و اتصال به دنیای غیر مادی و ملکوتی، هویتی ازلی - ابدی یابد، با گفتمان ماورائی مواجهیم. در همین راستا، زندگی و سرنوشت قهرمانان تاریخی نیز به دلیل قرار گرفتن در هاله‌ای از تقدس، هویتی فرهمند (کاریماتیک)^۲ می‌یابد.

این گفتمان دارای وجوه اشتراکی با دو گفتمان عاطفی و عرفانی است. بهره‌گیری از داستان پردازی، برخورداری از جهت‌گیری آشکار سیاسی - اعتقادی و برقراری ارتباط مؤثر با اذهان عمومی، وجوه اشتراک آن با گفتمان عاطفی و دور کردن مخاطب از حقیقت تاریخی وقایع و القای تقدیرگرایی، وجوه اشتراک آن با گفتمان عرفانی است. در این کتاب، گفتمان ماورائی با شش شاخص «پیشگویی، تقدس روز عاشورا، تقدیرگرایی، رؤیا، سوگواری کائنات و کرامت و معجزه» معرفی و تبیین شده است.

۱-۳. رویکرد روشی

واژه گفتمان، بیش و پیش از هر چیز، سخن گفتن در قالب نظریه‌ای خاص را به ذهن متبادر می‌کند، خاصه در پژوهشی که محورهای اصلی آن بر پایه مفهوم گفتمان و هدف اصلی آن تحلیل «تحولات گفتمانی» باشد. این مسئله به‌ویژه از آن‌رو که مباحث مربوط به گفتمان، عرصه

۱. دهخدا، لغت‌نامه، ج ۱۳، ص ۲۰۰۳۲.

۲. "charisma" واژه‌ای یونانی به معنای موهبت الهی است که با واژه فارسی هوارنا "hvaranah" به معنای فره، هم‌معنا است. به لحاظ اصطلاحی، نیروی ویژه و کارآمد اعمال اقتدار بر دیگران، کاریزما نامیده می‌شود. کاریزما دارای انواع مختلفی است که نوع دینی آن از همه مهم‌تر است. گونه مهمی از کاریزما دینی که مبتنی بر ویژگی‌های شخصیتی افراد است، مبتنی بر عواطف بوده و قربت و گاه وحدت با مقام الوهیت، از خصایص مهم آن محسوب می‌شود. برای تفصیلی در این خصوص بنگرید به: وبر، دین، قدرت، جامعه، ص ۲۷۶-۲۷۸ و ۲۹۷-۲۹۹؛ واخ، جامعه‌شناسی دین، ص ۳۲۷-۳۳۲.

گسترده‌ای را در رشته‌های گوناگون علوم انسانی دربر گرفته و تئوری‌های متنوعی با هدف تحلیل گفتمان از ابعاد گوناگون، طراحی و عرضه شده‌اند، شکل جدی‌تری به خود می‌گیرد. در واقع نیز پرداختن به مقوله گفتمان از طریق نظریه‌های مرتبط با آن، عملی‌ترین شیوه ممکن است اما آیا یگانه شیوه نیز هست؟

در این کتاب، مقوله گفتمان، مقوله‌ای محوری است که تمامی مباحث دیگر درباره آن شکل گرفته و معنای پذیرفته‌شده از این واژه، منطبق بر یکی از معروف‌ترین تعاریف ارائه‌شده از آن است. با این حال هیچ‌یک از نظریه‌های موجود گفتمان، برای تحلیل و تبیین تحولات گفتمانی مورد نظر در این پژوهش کارساز نبود. چنین تعارضی در نگاه اول پذیرفتنی نمی‌نماید. اگر مفهومی خاص را از نظریه‌ای خاص وام می‌گیریم، چرا نتوانیم در قالب همان نظریه، حرکت یا حداقل برخی شاخص‌های آن را پیاده کنیم؟ آیا نمی‌توان چنین تعارضی را ناشی از «وام‌گیری» نادرست یک مفهوم که کارایی لازم را در موضوع مورد پژوهش ندارد، دانست؟ یا چنین نتیجه گرفت که نظریه مورد نظر و مفاهیم مترتب بر آن، به‌درستی شناسایی و فهم نشده‌اند؟ یا آنکه تلاش لازم برای عملی کردن محورهای پژوهشی در قالب نظریه مورد نظر صورت نگرفته است؟ واقعیت آن است که هر یک از این پرسش‌ها می‌تواند پاسخی مثبت داشته باشد. در واقع بخشی از مهم‌ترین دغدغه‌های مطروحه در برابر هر پژوهشگری که به استفاده از نظریه‌های علمی نظر داشته باشد (به‌ویژه آن دسته پژوهشگرانی که مطالعات میان‌رشته‌ای^۱ را برمی‌گزینند) همین‌ها است. چنین پژوهشگری در مراحل مختلف کار، با هر سه پرسش محوری یادشده، دست به گریبان است و اگر نتواند در قبال آنها موضعی روشن اتخاذ نماید، بی‌شک، حاصل کارش درخور اعتنا نخواهد بود.

۱. میان‌رشته‌گی، در معنایی عام، همکاری و همراهی دیدگاه‌های مختلف رشته‌ای، در راستای رسیدن به نقاط اشتراک فهم از پدیده‌ها و همچنین فراهم کردن امکان بهره‌مندی از چشم‌اندازهای دیگری غیر از چشم‌انداز مألوف رشته‌ای برای «نگریستن» به پدیده‌ها را شامل می‌شود (والاد، مبانی نظری و روش‌شناسی مطالعات میان‌رشته‌ای، ص ۱۴).

درباره رشته تاریخ، ضرورت استفاده از مطالعات میان‌رشته‌ای، تقریباً از اوایل قرن بیستم به‌طور جدی مورد توجه قرار گرفت. یک محقق فرانسوی موسوم به لوسین فیور (Lucien Febver) در ۱۹۴۱م تصریح کرد که مورخ باید هم جغرافی‌دان باشد، هم حقوق‌دان، هم جامعه‌شناس و هم روان‌شناس. به زعم وی مرزبندی‌های میان‌رشته‌ای چیزی جز تخریب نبود و مورخان باید فراتر از این مرزبندی‌ها فعالیت کنند (والاد، «موضوع میان‌رشته‌گی»، مبانی نظری و روش‌شناسی مطالعات میان‌رشته‌ای، ص ۷۷).

چنین معضلی مبتلا به این پژوهش نیز بوده است. در اینجا پژوهشگر بر آن بوده تا برای تحلیل دقیق‌تر تحولی تاریخی، دست به «کمی‌سازی» بزند. تاریخ به‌خودی‌خود، چنین ابزاری در اختیار ندارد و به‌ناچار باید به ابزار کمکی متوسل شد. ابزاری که مضمون واقع شد «زبان و مفاهیم زبان‌شناختی» بود، حوزه‌ای که قلمرو وسیع دانش زبان‌شناسی را شکل می‌دهد و مفاهیم تبیینی آن، اتفاقاً برای تحلیل مباحث تاریخی کارایی بسیار دارد. وقتی بناست، مبحثی تاریخی کمی شود، چه راهکاری عملی‌تر از بررسی‌های زبان‌شناسانه؟ و چه واژه‌های دقیق‌تر از گفتمان (با آن دامنه وسیع مفهومی) وقتی بنا است تحولی تاریخی با ابعاد زبان‌شناسانه و فرازبان‌شناسانه‌اش بررسی و تحلیل شود؟

این چنین بود که واژه گفتمان به مفهوم محوری این پژوهش بدل و تلاش شد تا هر دو فرایند «کمی‌سازی و تحلیل» بر مبنای نظریه‌های مترتب بر آن مورد توجه قرار گیرد. با این همه، پیشرفت مرحله به مرحله کار، از وجود تفاوتی مهم پرده برداشت که همانا تفاوت میان دو مقوله «متن» و «محتوا» بود.^۱ در واقع برخلاف نظریه‌های گفتمانی که تماماً بر محور متن استوار بوده و تجزیه و تحلیل‌های کلان را با تحلیل‌های خرد زبان‌شناسانه، آن هم در قالب متونی محدود می‌آمیزند، در اینجا با محتوا (معانی نمادین پیام‌ها)^۲ آن هم در حجمی وسیع مواجهیم که تحلیل آنها در قالب هیچ‌یک از نظریه‌های گفتمانی نمی‌گنجد. تفاوت مهم دیگر آن بود که در تحلیل‌های گفتمانی یا اصولاً کمی‌سازی صورت نمی‌گیرد یا اگر انجام شود، صرفاً در قالب تجزیه و تحلیل‌های نحوی و دستوری، آن هم برای تعداد محدودی از متون است.^۳ این در حالی است که تحلیل محتوا متکی به روش‌های کمی است^۴ و چنین روشی، آنجا که با حجم قابل توجهی از متون سروکار داریم، البته کارایی لازم را خواهد داشت.

دو تفاوت یادشده، نشان داد که بهره‌گیری از روش‌های نظریه گفتمان، راهکار عملی این پژوهش نبوده و یگانه مسیر ممکن، استفاده از ابزار تحلیل محتوا است بی‌آنکه بهره‌گیری از

۱. مفهوم متن (text) به‌ویژه در نشانه‌شناسی (semiology) ساختاری معنادار است که از نشانه‌ها بر ساخته می‌شود. یک متن، اغلب وجودی مادی دارد؛ اما به ضرورت، متنی نوشتاری نیست. می‌توان یک عکس، یک ترانه، یک پیام بازرگانی، قطعه‌ای فیلم یا گونه‌ای پوشاک را نیز متن به شمار آورد (ادگار و سجویک، مفاهیم کلیدی در نظریه فرهنگی، ص ۴۵۰).

۲. کریپندورف، تحلیل محتوا، مبانی روش‌شناسی، ص ۲۶.

۳. برای نمونه بنگرید به: آفاگل‌زاده، تحلیل گفتمان انتقادی، ص ۱۰۵-۱۰۸ و ۱۸۲-۲۱۳؛ سلطانی، گفتمان و زبان (سازوکارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران)، ص ۶۰-۶۸، ۱۱۰-۱۲۹ و ۱۵۳-۲۱۴؛ یورگنسن،

نظریه و روش در تحلیل گفتمان، ص ۱۱۸-۱۵۲. ۴. چندلر، مبانی نشانه‌شناسی، ص ۳۳.

اصطلاح گفتمان، تعارضی با آن داشته باشد، چه حوزه معنایی وسیع گفتمان، امکان بهره‌برداری از آن در سطوح مختلف پژوهشی را میسر می‌کند. کارکرد این روش، به‌ویژه در پژوهشی از نوع پژوهش حاضر که فرضیات آن برگرفته از نظریه‌ای خاص نیست، نمایان‌تر است. می‌دانیم که تحلیل محتوا، نه یک نظریه که یک روش است و از این رو در عین حال که نمی‌توان آن را به مثابه چارچوبی نظری مورد استفاده قرار داد؛ اما می‌توان به عنوان روشی کاربردی در انواع مختلفی از پژوهش‌ها از آن بهره برد.

بر مبنای آنچه گفته شد، این پژوهش، توصیفی - تحلیلی است که با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوا به تبیین تاریخی تحولات گفتمانی گزارش واقعه کربلا در آثار فارسی تا قرن دهم هجری قمری می‌پردازد. این روش نه فقط روش تحلیل مناسبی برای این پژوهش در اختیار گذاشته بلکه با مفاهیم بنیادی آن نیز همسویی داشته است.

۱-۳-۱. تحلیل محتوا (content analysis)

تحلیل محتوا اصطلاحی علمی است که در دانش جامعه‌شناسی نوین به‌نوعی روش علمی در پردازش داده‌ها اطلاق می‌شود. از عمر علمی این اصطلاح زمان زیادی نمی‌گذرد (در ظاهر سال ۱۹۶۱م)^۱ اما ریشه تاریخی آن را می‌توان به آغاز کاربرد آگاهانه نمادها و زبان در عرصه‌هایی چون فلسفه، معانی و بیان، هنر و رمزنگاری نسبت داد. گفته شده نخستین کاربرد علمی این روش (و نه اصطلاح آن) مربوط به جدال بر سر محتوای مجموعه اشعار مذهبی بود که در قرن هجده در سوئد منتشر شد و چالش میان مدافعان و مخالفان آن بر سر خطرناک بودن یا نبودن مضامین و نمادهای مذهبی به‌کاررفته در آن، برانگیزنده بحثی روش‌شناسی شد که تحلیل محتوای آن را در پی داشت.^۲ بعدها از اواخر قرن نوزده و اوایل قرن بیست مباحث مربوط به تحلیل کمی مطالب منتشر شده در روزنامه‌ها، قدم مؤثری در علمی شدن این روش بود؛ چنان که در ۱۹۰۳م در آلمان، طرح طبقه‌بندی مبسوطی برای تحلیل «ساختار درونی محتوا» برحسب کارکردهای اجتماعی عملکرد روزنامه‌ها منتشر شد. ماکس وبر نیز در ۱۹۱۰م در اولین گردهمایی انجمن جامعه‌شناسی آلمان، طرحی برای تحلیل محتوای گسترده مطبوعات پیشنهاد کرد و در

۱. کریپندورف، تحلیل محتوا، مبانی روش‌شناسی، ص ۹.

۲. همان، ص ۹، ۱۳ و ۱۴.